

چالش‌های پیش روی شیعیان امامی در دوران امامت امام حسن عسکری (ع)

رمضان محمدی^۱ و محمدعلی توحیدی نیا^۲

چکیده

مقاله حاضر با عنوان «چالش‌های پیش روی شیعیان در عصر امامت امام عسکری (ع)» با هدف کشف و توصیف و با تاکید بر گونه‌شناسی چالش‌ها قلمی شده است. برای دست‌یابی به این هدف از روش مطالعات اسنادی و تحلیلی در بین متون کهن و دست اول تاریخی و سیره‌ای بهره گرفته شده است. عصر امامت امام عسکری (ع)، برهه‌ای خاص در تاریخ تشیع است. محدودیت‌های سخت‌گیرانه برای امام (ع) و شیعیان و نزدیک شدن به عصر غیبت، بر حساسیت این عصر و اهمیت شناخت وضعیت شیعیان افزوده است. طبق یافته‌ها می‌توان گفت: با توجه به زمینه‌های سیاسی و اجتماعی آن عصر، شیعیان با چالش‌های متعددی مواجه بودند که تاخیر برخی شیعیان در شناخت و پذیرش امامت امام عسکری (ع)، محدودیت در ارتباط و ملاقات حضوری با حضرت، به رغم گستردگی حضور شیعیان در مناطق مختلف، نزدیک شدن به دوران غیبت امام مهدی (عج)، مواجهه شیعیان با فرق و مذاهب متعدد کلامی شیعی و غیرشیعی، انحراف برخی عالمان، فشارهای سیاسی و زندانی شدن برخی شیعیان و همچنین تنگناهای اقتصادی، از مهم‌ترین این چالش‌ها بوده است.

کلید واژگان: امام حسن عسکری (ع)، شیعیان امامی، خلافت عباسی، فرق اسلامی، سازمان وکالت.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۱۲۹

۱. * دانشیار گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه (نویسنده مسئول): rmohammadi@rihu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۸/۱۸

۲. دانش‌آموخته دکتری تاریخ اسلام دانشگاه باقرالعلوم (ع): ma.tohidinia@gmail.com

مقدمه

دوران امامت امام عسکری (ع)، برهه‌ای بود که با محدودیت‌ها و مشکلات ازسوی حاکمان برای امام (ع) و شیعیان امامیه همراه بود. قوت و پیچیدگی چالش‌های نزدیک به عصر غیبت امام مهدی (ع)، به قدری بود که می‌توانست شیعیان را دچار سرگردانی کرده و یکپارچگی شخصیتی و عقیدتی و همچنین هویت جمعی آنان را متزلزل سازد. اگرچه امام (ع) به جهت همین محدودیت‌ها در سامراء تحت نظر بودند، ولکن برنامه‌ها و دستورات لازم را نسبت به شیعیان صادر و آنان را در ابعاد مختلف رهبری می‌فرمودند. سن پایین امام عسکری (ع) در هنگام شهادت، نشان از شدت فشار و محدودیت ازسوی خلفای عباسی در مورد امام (ع) دارد.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۱۳۰

بنابر اهمیت این دوران از جهات متعدد، از جمله نزدیک شدن به دوران غیبت امام مهدی (ع)، چالش‌ها و برخی مشکلات پیش روی شیعیان در عصر امام عسکری (ع)، در ابعاد مذهبی و سیاسی مورد توجه و تحقیق قرار گرفت و با بررسی انجام گرفته، اثری که به طور کامل و یکپارچه به چالش‌های پیش روی شیعیان در دوران امام عسکری (ع) بپردازد، ملاحظه نگردید؛ بلکه بیشتر آثار نگاشته شده درباره امام عسکری (ع)، با تاکید بر سیره و زندگانی آن حضرت انجام گرفته است.

الف: چالش‌های مذهبی شیعیان

شیعیان در عصر امام عسکری (ع) به دلیل تلاش‌ها و اقدامات ائمه (ع)، نسبت به معارف دینی آگاهی خوبی داشته و به رشد و بالندگی قابل توجهی در این حوزه دست یافته بودند؛ اما علی‌رغم این موضوع، با چالش‌ها و محدودیت‌هایی مواجه بودند که اقدام خلفا در احضار ائمه (ع) به مراکز حکومت و دور ساختن ایشان از مدینه، تاثیر بسزایی در این امر داشت.

۱. تأخیر در پذیرش امامت امام عسکری (ع) ازسوی برخی شیعیان

نخستین چالش، تأخیر در پذیرش امامت امام عسکری (ع) توسط برخی شیعیان بود. با

شهادت امام هادی (ع) در سال ۲۵۴، فرزند بزرگوارشان حسن (ع)، منصب امامت را برعهده گرفتند. امامان پیشین (ع)، به امامت ایشان اشاره فرموده (رک: صدوق، ۱۴۳۹ق، ج ۱، ص ۲۵۲، ۲۵۸، ج ۲، ص ۳۷۳؛ ابن طاووس، ۱۳۹۹ق، ج ۱، ص ۱۷۳، ۱۷۴؛ خزاز قمی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۸۵، ۲۹۳، ۲۹۷؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۷۵، ۴۰۹؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۵۸۴، ۵۹۷، ۴۶۴).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۱۳۱

و امام هادی (ع) نیز در موقعیت‌های مختلف، فرزندشان را به‌عنوان امام بعد از خود به شیعیان معرفی کردند. این معرفی، گاهی توسط خود حضرت هادی (ع) (رک: طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۲۰؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۳۶؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۳۹۶). و در مواردی نیز پس از سوال اصحاب و شیعیان انجام می‌گرفت (رک: طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۲۰؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۳، ص ۳۹۱، ۳۹۲). گستردگی سازمان وکالت در آن زمان، عامل مهمی در شناخت سریع امام، پس از شهادت امام هادی (ع) بود. طبیعی بود که با وجود این روایات متعدد، اکثر شیعیان امامت حضرت عسکری (ع) را بپذیرند.

با این وجود، پس از شهادت امام هادی (ع)، جمعی از شیعیان در امامت امام عسکری (ع) دچار تردید شده و در این زمینه با حضرت نامه‌نگاری کرده یا نزد ایشان حاضر و ایشان را می‌آزمودند؛ چنانچه هارون بن مسلم و جماعتی دیگر پس از شهادت امام هادی (ع)، به امام عسکری (ع) نامه نوشته و در مورد وصی پدرشان سوال نمودند. حضرت در پاسخ مرقوم فرمودند: «آنچه را متذکر شدید دانستم. اگر تا این هنگام در شک و تردید باشید، مصیبت بزرگی است. من وصی او و امام و پیشوای شما هستم. همان‌گونه که قبلاً مرا دیده بودید، خدای متعال را بر این سخن گواه می‌گیرم و اگر پس از دیدن دست خط من و شنیدن سخنانم باز هم شک و تردید کنید، خویش را بی‌بهره کرده و به بیراهه رفته‌اید» (اثبات الوصیه، ص ۲۳۸). بنابر خبری دیگر، نامه‌ای به حضرت نوشته شده و در آن نامه حضرت را از اختلاف میان دوستانشان باخبر ساختند. حضرت فرمودند: «از اختلاف پیروان ما یاد کرده‌بودی. بعد از آن که پدرم به من که بزرگترین فرزند او هستم وصیت کرد، دیگر شبهه‌ای باقی نخواهد ماند و هرکس بر مسند فرمانروایی نشیند و حال مردم را بهتر رعایت کند، از

دیگران سزاوارتر به این کار است» (رک: اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰، ص ۲۹۶).

سخنان حضرت نشان‌گر آن است که دلایل و شواهد کافی بر امامت ایشان برای شیعیان ارائه شده بود و حضرت تردید آنان را تا زمان نوشتن نامه، مصیبت بزرگ دانسته و آنان را در صورت بقای بر شک، نکوهش کرده‌اند.

در موقعیت دیگری نیز حسن بن اسماعیل، به همراه دوتن از شیعیان، به سامراء رفته و حضرت را به وسیله آنچه در دل داشتند، آزمودند. حضرت پس از انجام آنچه آنان اراده کرده بودند، روبه آنان کرده و فرمودند: شک و تردید تا چه پایه؟ پس از آن بود که این افراد به امامت ایشان ایمان آورده و حضرت را در خانه‌شان زیارت کرده و نامه‌ها و اشیائی که با خود به همراه داشتند، به ایشان دادند (اثبات الوصیه، ص ۲۴۶).

شک و تردید جمعی از شیعیان، نارضایتی حضرت و نکوهش برخی شیعیان را توسط ایشان به دنبال داشت. حضرت در این باره می‌فرماید: «هیچ‌یک از پدرانم محنتی که من از شک و تردید این گروه (شیعیان) می‌کشم، متحمل نشده‌اند. اگر امامت، محدود به زمانی بود، البته جایی برای شک وجود داشت؛ ولی امامت به امر خدا استمرار دارد؛ بنابراین این شک، چه معنایی دارد» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص ۵۱۷).

در مورد چرایی وجود این تردیدها در میان شیعیان و سخنان حضرت در این باره، عوامل متعددی را می‌توان موثر دانست. محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی را از جمله این عوامل می‌توان در نظر گرفت. آن حضرت پس از آن که به همراه پدر بزرگوارشان به سامراء فراخوانده شدند، تحت نظارت بیشتر عوامل حکومت قرار گرفته و ارتباطشان با شیعیان کاهش یافت. این محدودیت‌ها، موجب شد که ایشان برای برخی شیعیان ناشناخته باشند. بنابر نقلی، وقتی امام عسکری (ع) پس از رحلت برادرشان در سال ۲۵۲ - دو سال قبل از به امامت رسیدن ایشان - در کنار پدر قرار گرفتند، همه کسانی که آنجا حضور داشتند، درباره ایشان و نسبتشان با امام هادی (ع) به پرس و جو پرداختند؛ تا اینکه به ایشان گفته شد: «ایشان همان حسن بن علی (ع) هستند» (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۳۶؛ طبرسی، ۱۴۱۷، ص ۳۵۲).

اعتقاد برخی شیعیان به امامت محمد بن علی بعد از امام هادی (ع) را می‌توان از علل

دیگر تردید برخی شیعیان در امامت امام عسکری(ع) برشمرد. بنابر نقلی، برخی شیعیان هرگاه محمد بن علی بر پدرشان وارد می‌شدند، به احترام وی به پا می‌خاستند و امام هادی(ع) آنان را از این کار منع فرموده و می‌فرمودند: «برای امام و پیشوای خود احترام قائل شوید» و به پسرشان ابومحمد عسکری(ع) اشاره می‌فرمودند (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۲۰؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ص، ج ۳، ص ۳۹۴). با اینکه ابوجعفر محمد بن علی در زمان پدرشان رحلت کرد، ولی برخی، از جمله فارس بن حاتم بن ماهویه و پس از او جعفر کذاب، مدعی نمایندگی ابوجعفر بودند و حتی افرادی، مردم را به این امر دعوت می‌کردند. امام هادی(ع)، فارس را لعن نمودند و دستور تعقیب دعوت‌کنندگان را صادر کردند (خصیبی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۸۵).

با یک نگاه گذرا به زندگانی امام عسکری(ع)، درمی‌یابیم که آن حضرت بیش از امامان دیگر، آگاهی غیبی خود را آشکار نموده و از آن بهره برده است (پیشوایی، ۱۳۷۲ق، ص ۶۴۴)^۱. ایشان برای از بین بردن شک و تردیدها، حفظ یاران و دلگرمی آنان، یا هدایت گمراهان، از علوم غیبی استفاده کردند (رک: حسینی، ۱۳۸۶).

علی‌رغم تردید برخی شیعیان در پذیرش امامت حضرت، بنابر گفته سعد بن عبدالله اشعری، جز عده معدودی که به امامت محمد بن علی - که در زمان حیات پدرشان امام هادی(ع) رحلت کرد - قائل شدند (اشعری، ۱۳۶۰، ص ۱۰۱) و تعداد انگشت‌شماری که به امامت جعفر بن علی (جعفر کذاب) روی آوردند، اکثریت یاران امام هادی(ع)، امامت ایشان را پذیرفتند (مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۱۲). مسعودی نیز، جمهور شیعه را از پیروان امام عسکری(ع) و فرزندانشان می‌داند که در تاریخ به «قطعیه» معروف شده‌اند (همان، ج ۳، ص ۱۱۲).

۱. براساس تحقیق یکی از محققان معاصر از کرامات و گزارش‌های غیبی و اقدامات خارق‌العاده امام عسکری(ع)، ۴۰ مورد در «الخرائج»، ۱۳۴ مورد در «مدینه المعاجز»، ۱۳۶ مورد در «اثبات الهداه» و ۸۱ مورد در بحارالانوار آمده است (رک: حیاة الامام العسکری(ع)، ص ۱۲۱).

۲. محدودیت در ارتباط حضوری با امام (ع)

تشیع از آغاز دوران قدرت عباسیان (۱۳۲) تا پایان غیبت صغری (۳۲۹) در مقایسه با دوران حکومت امویان، رشد و فزونی قابل توجهی یافت و شیعیان در مناطق مختلف ممالک اسلامی، چون: کوفه، بغداد، نیشابور، قم، آبه، مدائن، خراسان، ری، آذربایجان، بصره، سامراء، جرجان پراکنده بودند (بهنیافر، ۱۳۹۱، ص ۲۲۳-۲۳۲). این حضور، از شواهد مختلفی، از جمله پسوند اسامی اصحاب ائمه (ع) که به نام شهرها است، گزاره‌هایی که از آوردن اموال شیعیان برخی شهرها نزد امامان (ع) وارد شده، وکلای منصوب در برخی مناطق و دیگر شواهد، قابل استفاده است. هنگام شکایت از امام کاظم (ع)، نزد هارون گفته می‌شود که از شرق و غرب برای وی اموال آورده می‌شود (رک: مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۲۳۸)، یا در زمان امام جواد (ع)، پس از آنکه معتصم رای ایشان را در مورد قطع دست سارق بر آرای فقهای اهل سنت ترجیح می‌دهد، یکی از این فقها به معتصم تذکر می‌دهد که چرا خلیفه، سخن کسی را که نصف امت به امامت او قائلند، در حضور درباریان، فرماندهان، وزرا و کاتبان بر نظر تمام علمای مجلسش ترجیح می‌دهد (مجلسی، ۱۴۰۳ص، ج ۴۹، ص ۱۵۵). این شواهد که مربوط به سالیان قبل از به امامت رسیدن امام عسکری (ع) است، خود شاهد روشنی است که در دوران امام عسکری (ع)، شیعه در جامعه اسلامی، رشد فزاینده‌تری داشته و در مناطق بیشتری حضور داشتند.

چالش مهم دیگری که شیعیان با آن مواجه بودند، ارتباط (حضوری) با امام (ع) با توجه به استقرار ایشان در سامرا بود. امام عسکری (ع)، جز دوران نسبتاً محدودی که در زندان به سر بردند، در این شهر زندگی عادی داشتند؛ ولی تحت نظارت ماموران حکومت، باید چند روز در هفته به دربار خلیفه رفته و حضور خود را اعلام می‌فرمودند. برخی شیعیان برای ملاقات امام (ع)، در مسیر راه ایشان قرار می‌گرفتند؛ برای نمونه می‌توان به آماده‌شدن اصحاب برای ملاقات حضرت در طول مسیر حرکت خلیفه _ جهت دیدن صاحب البصره _ در حالی که امام (ع) را با خود همراه کرده بود، اشاره کرد (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵۰۹؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۷۸؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۷۰؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۲۵)؛ همچنین قرارگرفتن اسماعیل بن محمد در مسیر حضرت و تقاضای کمک مالی از ایشان (اربلی،

۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۱۳)، انتظار ابوبکر فهفکی در خیابان ابی قطیعه برای دیدار حضرت، در حال رفتن به دارالعامه^۱ (راوندی، ۱۴۰۹ ص، ج ۱، ص ۴۴۶)، انتظار محمد بن عبدالعزیز بلخی در خیابان الغنم برای دیدار حضرت در مسیر رفتن به دارالعامه (همان، ج ۱، ص ۴۴۷؛ اثبات الوصیه، ص ۲۴۳) و نشستن محمد بن ربیع شیبانی در باب احمد بن خضیب به منظور دیدن حضرت (همان، ج ۱، ص ۴۴۵؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۰، ص ۲۹۳)، اشاره کرد. حضور در مسیر حرکت امام(ع)، خطراتی را برای شیعیان داشت که امام(ع) آنان را آگاه می‌ساختند. بنا بر گزارشی به نقل علی بن جعفر از حلبی، در یکی از روزها که قرار بود امام(ع) به دارالخلافة بروند، در عسکر به انتظار دیدار ایشان جمع شده بودند. در این حال، از طرف آن حضرت توقیعی رسید و آن‌ها را به دلیل آنکه در امان نبودند، از سلام کردن و حتی اشاره نمودن به ایشان نهی کرد (راوندی، ۱۴۰۹ ص، ج ۱، ص ۴۳۹؛ عاملی النباطی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۰۷). در موقعیتی نیز وقتی حضرت در خیابان به عبدالعزیز بلخی رسیدند، انگشت سبابه را بر دهان گذاشته و با اشاره به سکوت، فرمودند: «مواظب باش. اگر فاش کنی، هلاک می‌شوی» (اثبات الوصیه، ص ۲۴۳).

این روایت به خوبی نشان می‌دهد که حکومت، تا چه حد روابط امام(ع) با شیعیان را زیر نظر داشته است (جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۳۶۴)؛ البته به نظر می‌رسد این محدودیت‌ها در دوران امامت حضرت، در یک سطح نبوده و در ایامی، دیدار با ایشان انجام می‌گرفت. از خادم حضرت نقل شده، روزهایی که امام(ع) به مقر خلافت می‌رفت، شور و شعف عجیبی در مردم پیدا می‌شد. خیابان‌های مسیر آن حضرت، از جمعیتی که سوار بر مرکب‌های خود بودند، پر می‌شد. وقتی امام(ع) تشریف می‌آوردند، هیاهو یک‌باره خاموش می‌گشت، آن حضرت از میان جمعیت گذشته و وارد مجلس می‌شد (طوسی، ۱۴۱۱، ص ۱۲۹).

گزارش‌های دیگری نیز به دست آمده که به دیدار حضوری برخی شیعیان با حضرت اشاره دارند. این دیدارها که گاهی با حاضر شدن شیعیان از شهرهای دیگر انجام می‌گرفت، علاوه بر ملاقات و تبرک جستن از وجود حضرت، به جهت طرح سوالات، تقدیم اموال، رفع نیازهای

۱. دارالعامه گویا همان دارالخلافة است.

مالی، آگاهی از امام بعدی و... بود (رک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۰، ص ۲۵۳، ۲۵۹، ۲۶۲، ۳۱۶، ۳۲۳؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۷۵؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۲۷؛ صدوق، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۸۴)؛ البته این ملاقات‌ها همواره با خطراتی همراه بود که از چالش‌های مهم شیعیان به حساب می‌آمد.

باتوجه به گستردگی و تراکم بالای جمعیتی شیعیان در این دوران نسبت به دوران قبل از عصر امامت امام عسکری (ع)، به نظر می‌رسد که ملاقات‌های حضوری، بسیار اندک صورت گرفته و باتوجه به محدودیت‌ها، امکان این ملاقات‌ها نیز در همه اوقات به آسانی ممکن نبوده است؛ لذا نامه‌نگاری از مهم‌ترین راه‌های ارتباط شیعیان با امام (ع) بوده است و در منابع، به تعداد قابل توجهی از این نامه‌ها اشاره گردیده است. شیعیان بسیاری از این طریق، مسائل و مشکلات‌شان را با امام (ع)، در میان گذاشته و منتظر پاسخ حضرت بودند. این روش از مطمئن‌ترین راه‌های ارتباطی بود که امنیت جانی و مالی شیعیان را تا حدودی به دنبال داشت و همچنین سختی سفرهای طولانی را در پی می‌آورد.

این نامه‌ها، با محوریت موضوعات مختلفی، از جمله درخواست دعا برای برآورده شدن حاجات، برطرف شدن مشکلات (رک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵۱۱؛ اثبات الوصیه، ص ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱؛ طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۸۱۵؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۲۴، ج ۳، ص ۳۰۵) و پرسش‌های علمی و دینی (رک: اربلی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۲۱۹؛ کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵۰۸؛ صدوق، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۷۱، ج ۲، ص ۹۸، ج ۳، ص ۴۴، ۱۵۳؛ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۲، ص ۱۵۹، ۳۳۲) نگاشته می‌شد. بنابر تحقیقی که در این باره انجام گرفته، از مجموع ۱۶۰ نامه جمع‌آوری شده از منابع تاریخی که توسط حضرت ارسال گردیده است، ۱۸ درصد مکاتبات، ابتدا از سوی امام (ع)، با هدف در میان گذاشتن مطالب با فرد یا افراد، صادر گردیده و ۸۲ درصد نیز در پاسخ به سوالات و درخواست‌های مردم نگاشته شده‌اند (رک: جانی‌پور و طباطبایی، ۱۳۹۱، ص ۷۸، ۷۹).

امام (ع) جهت ارسال نامه‌ها، افرادی را در نظر گرفته بودند. ماموریت ابوالادیان، از خدمتگذاران حضرت (صدوق، ۱۴۳۹ق، ج ۲، ص ۱۴۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۳۳۲)، عقید، خادم خاص ایشان (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۷۲) و داود بن اسود، خدمتگذار

دیگرشان (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۳، ص ۵۲۸)، رساندن نامه‌هایی از سوی حضرت بود. این مطلب نیز شاهی بر گستردگی ارتباط از طریق نامه‌نگاری میان شیعیان و امام(ع) است.

به نظر می‌رسد که ارسال نامه‌ها از سوی حضرت برای شیعیان، گاه با سختی‌ها و محدودیت‌هایی همراه بوده است و این کار، به صورت پنهانی انجام می‌گرفته است. بنابر گزارشی، حضرت، «داود بن اسود» را مامور کردند تا چوبی را که در آن نامه‌هایی جاسازی شده بود، به «عثمان بن سعید» برساند (همان، ج ۴، ص ۴۲۷). گرچه کم‌وبیش شیعیان در دوره‌های قبلی هم با این نوع چالش‌ها روبه‌رو بوده‌اند، اما به نظر می‌رسد، دشواری ارتباط در دوره‌های قبلی، مسبوق به سابقه نبوده است.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۱۳۷

۳. انحراف برخی وکلا

دوری مناطق شیعه‌نشین از معصومین(ع) و گسترش تدریجی آن، سبب راه‌اندازی سازمانی شد تا ارتباط شیعیان با ائمه(ع)، به سهولت انجام بگیرد و همچنین با عادت‌دادن مردم به ارتباط غیرمستقیم، آرام آرام شیعیان، آماده عصر غیبت گردند؛ لذا هرچه به عصر غیبت صغری نزدیک می‌شویم، ارتباط مستقیم مردم با ائمه(ع) کم می‌شود. با راه‌اندازی این تشکیلات از دوران امام صادق(ع)، رهنمودهای لازم، جهت حفظ جامعه شیعه به آنان ابلاغ و پرسش‌ها و خواسته‌های آنان پاسخ داده می‌شد (رک: حیدری، ۱۳۹۰، ص ۲۰۹، محمد دشتی، مقاله سازمان وکالت در عصر عسکریین(ع)).

سازمان وکالت در دوران امامت امام عسکری(ع)، بسیار گسترده شده و مناطقی که شیعیان و برخی وکلا در آن حضور داشتند، به‌طور دقیق‌تر، در حجاز (مدینه، مکه و یمن)، عراق (کوفه، بغداد، واسط و بصره)، ایران (خراسان بزرگ «شامل: نیشابور، بیهق، سبزوار، بخارا، سمرقند و هرات»، قم، آوه، ری، قزوین، همدان، آذربایجان، اهواز، سیستان، بسط و قرمیسین) و در شمال آفریقا (مصر) بود (جباری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۷۱ به بعد و رک: همان، ج ۲، ص ۴۲۹).

در میان وکلا و اصحاب حضرت، عثمان بن سعید عمری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بود.

وی عهده‌دار اداره سازمان وکالت و نظارت بر کار وکلا شد و امام عسکری (ع)، امور وکلا را به وی حواله می‌دادند (رک: جباری، ۱۳۸۲، ص ۴۵۲) و به دستور ایشان، هرآنچه از نواحی مختلف برای حضرت ارسال می‌گردید، در نهایت به دست عُمَری می‌رسید تا به ایشان برساند (رک: رجال کشی، ص ۵۸۰؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۱۶). وی زیر پوشش روغن فروشی فعالیت می‌کرد و اموال و وجوه را در مشک‌های روغن قرار داده و به حضور امام (ع) می‌رساند (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۱۴).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۱۳۸

چنانچه گذشت، سازمان وکالت، ساختاری در جهت ارتباط شیعیان با امام (ع) بود؛ ولی گاهی برخی وکلا دچار انحراف شده و به وظایف تعیین شده به درستی عمل نمی‌کردند و دچار انحراف می‌گشتند. یکی از چالش‌های پیش روی شیعیان، همین افراد بودند که ممکن بود بر جامعه شیعه تاثیر مخرب گذاشته و این تشکیلات را از اهدافش دور سازد. امام (ع) در این مواقع، اخبار لازم در مورد وکلا را به اطلاع شیعیان می‌رساندند^۱ و شیعیان را نسبت به برخی وکلا که در نگهداری و رساندن اموال خیانت ورزیده و آن‌ها را نزد خود نگه می‌داشتند یا دروغ‌هایی را به امام (ع) می‌بستند، آگاه می‌ساختند؛ چنانچه، دستور به لعن و نفرین عروه بن یحیی دادند (رک: رجال کشی، ص ۵۷۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۰، ص ۳۰۱)؛ یا در مورد احمد بن هلال، نامه‌هایی صادر فرموده و شیعیان و وکلا را نسبت به وضعیت وی آگاه ساختند (رک: رجال کشی، ص ۵۳۵، ۵۳۶؛ رجال نجاشی، ص ۶۰؛ طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۱۴). توقیعات صادره در چنین مواردی، به سرعت در میان شیعیان شایع می‌گردید و بلافاصله شخص مورد نظر امام (ع)، از جامعه شیعه طرد می‌شد (رک: جعفریان، ۱۳۸۱، ص ۷۴۴، ۷۴۵).

۴. انحراف برخی علما

در دوران امامت امام عسکری (ع)، علما و اصحاب بسیاری بودند که در مکتب امام عسکری (ع) پرورش یافتند و شیعیان با حضور در نزد آنان، از روایات معصومین (ع) در

۱. همانند نامه به جمعی از شیعیان و معرفی ابراهیم بن عبده به‌عنوان وکیل (رک: طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۵۰۹-۵۱۰، ج ۲، ص ۸۴۸).

موضوعات گوناگون، خوشه‌چینی می‌کردند. شیخ طوسی بیش از صد نفر از شاگردان حضرت را در کتاب خود ذکر کرده (رک: طوسی، بی‌تا، ص ۴۲۹-۴۳۸) که بسیاری از آنان، از علم امام هادی (ع) نیز بهره برده‌اند.

بسیاری از پیروان حضرت در قم می‌زیستند و این شهر در زمان امام هادی (ع) و امام عسکری (ع)، از مراکز مهم علوم گردید و مسکن بسیاری از راویان، مولفان و دانشمندان شد (رک: مظفر، ۱۴۰۸ق، ص ۶۲). اساتید حدیثی از مناطقی، مثل کوفه به قم می‌آمدند و همراه با دانشمندان قم، به تعلیم و آموزش مشتاقانی می‌پرداختند که از این شهر و نقاط اطراف قم برای آموزش حدیث، به قم مراجعه می‌کردند (رک: همان، ص ۳۴۱).

علی‌رغم درجات والای علمی شاگردان حضرت، یکی دیگر از چالش‌های پیش روی شیعیان، وجود عالمانی بود که دچار لغزش گشته و حضرت نسبت به انحراف آنان، آگاهی بخشی می‌کردند. وقتی از حضرت در مورد نوشته‌های بنی فصال که از بزرگان شیعه و فطحی مذهب بودند سوال شد، فرمودند: «آنچه را (از ما) روایت کرده‌اند، بگیری و آنچه را که نظر خودشان است، واگذارید» (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۸۹).

معرفی شاگردان و عالمان مورد اطمینان از سوی حضرت نیز، علاوه بر آنکه موجب سهولت دستیابی به پاسخ سوالات شیعیان می‌گشت، آنان را از مراجعه به عالمان منحرف، باز می‌داشت. وقتی احمد بن اسحاق درخواست معرفی شخصی را از حضرت کرد تا در مواقعی که امکان آمدن خدمت امام (ع) نیست، سخن او را بپذیرد، حضرت، عثمان بن سعید را ثقه و امین دانسته و سخن او را سخن خود دانستند (همان، ص ۳۵۴).

دیگر اقدام حضرت نیز که می‌توانست از انحراف شیعیان جلوگیری نماید، تایید کتبی بود که از سوی برخی شیعیان مورد اطمینان تالیف شده بود؛ چنانچه حضرت پس از مشاهده کتاب «یوم و لیل» از فضل بن شاذان و کتاب احمد بن عبدالله بن خانبه، آن دو را صحیح و عمل به آن را تایید فرمودند (تستری، ۱۴۱۵ق، ج ۸، ص ۴۰۸، ج ۱، ص ۵۰۱)؛ همچنین در مورد کتاب «یوم و لیل»، یونس بن عبدالرحمان فرمودند: «خداوند در قیامت به تعداد هر حرف این کتاب، به وی نوری عنایت فرماید (حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۸، ص ۷۲).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۵. غیبت امام مهدی (ع)

ارتباط حضوری با امام معصوم، موضوعی بود که از صدر اسلام به صورت عادی جریان داشت. در برخی دوران‌ها، این ارتباط گرچه با سختی‌هایی همراه بود، ولی هیچ‌گاه قطع نگردید و اصحاب و برخی شیعیان، امکان ارتباط با امام (ع) را داشتند. وقوع غیبت امام دوازدهم (ع)، موضوعی بود که از ابتدای تاریخ اسلام، توسط پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) طرح می‌گشت و از آنجاکه امری نامأنوس و غیر منتظره برای شیعیان به شمار می‌رفت و تحمل آن مشکل و طاقت فرسا بود، به تدریج شیعیان با این مساله آشنا شده بودند.

با نزدیک شدن به دوران غیبت، تبیین و آگاهی بخشی نسبت به این موضوع، از اهمیت بسیار بالاتری برخوردار بود؛ لذا امام عسکری (ع) شیعیان را در مواقع مختلف، متوجه این امر ساخته و وظیفه آنان را بیان می‌فرمودند. در فرمایشات نقل شده از حضرت، ایشان به معرفی امام بعدی پرداخته و به غیبت طولانی ایشان و سفارش شیعیان به صبر و انتظار فرج، اشاره شده است (رک: خوانساری، ۱۳۹۰ق، ج ۴، ص ۱۲۸؛ صدوق، ۱۴۳۹ق، ص ۳۸۴، خزاز قمی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۹۵، ۲۹۶؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ق، ج ۵، ص ۲۰۴). حضرت با تاکید بر دو عنصر عمر زیاد و غیبت طولانی برای حضرت مهدی (ع) که در قرآن کریم از علائم حضرت نوح و خضر (ع) شمرده شده (عنکبوت: ۱۴؛ بقره: ۵۱؛ نساء: ۱۵۷، ۱۵۸)، ادعای دروغین مدعیان مهدویت را نیز برملا ساختند (صدوق، ۱۴۳۹ق، ج ۲، ص ۳۸۴؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق، ص ۴۳۹)؛ همچنین امام (ع) با نشان دادن فرزندشان به برخی شیعیان و اصحاب خاص، آنان را از تولد و امامت وی با خبر می‌ساختند (رک: مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۵۰، ۳۵۱؛ قندوزی، ۱۴۱۶ق، ص ۴۶۱). از آثار و کارکردهای سازمان وکالت، به خصوص در عصر امامین عسکریین (ع)، آماده‌سازی شیعه برای ورود به عصر غیبت بود. احاله شیعیان در امور شرعی به وکلا از سوی امام (ع)، در کنار سایر اهداف، به منظور آشناسازی شیعیان با شرایطی بود که شیعیان از سال ۲۶۰ هجری با آن مواجه می‌شدند؛ یعنی فقدان امام حاضر و امکان ارتباط با او، تنها از طریق سفرا و وکلایش (رک: جباری، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۳۳۱، ۳۳۲). بنابر روایتی، جمعی از شیعیان یمن برای دادن اموال در سامرا حاضر شدند؛ حضرت دستور دادند تا عثمان بن سعید حاضر گردیده و اموال را از اهالی یمن تحویل

بگیرد. حضرت در ادامه، عثمان بن سعید را به عنوان وکیل خود و فرزندشان معرفی فرمودند (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۳۵۶). از این روایت استفاده می‌شود که حضرت به دنبال تقویت سازمان وکالت و همچنین آشنایی و ارتباط مردم با آن بودند. ارتباط وسیع امام(ع) با شیعیان از طریق نامه‌نگاری نیز، در آماده‌سازی آنان برای مواجهه با دوران غیبت فرزند بزرگوارشان موثر بوده است.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۱۴۱

۶. فعالیت فرق و مذاهب

وجود جریان‌ها و فرق گوناگون شیعی و غیرشیعی در مناطق مختلف جامعه اسلامی آن دوران، از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی شیعیان امامی به‌شمار می‌رود. طبیعی بود که زندگی شیعیان در ممالک و شهرهایی که غیرشیعه نیز حضور داشت، تعامل آن‌ها با یکدیگر را به دنبال داشته باشد. این تعاملات که ممکن بود با تبلیغ باورهای فرقه‌ای توسط غیر شیعه همراه باشد، می‌توانست موجب انحراف امامیه گردد؛ اما شیعیان در مورد نحوه مواجهه با آنان، از حضرت کسب تکلیف کرده و به توصیه‌های امام(ع) عمل می‌کردند.

از جمله جریان‌های انحرافی آن دوران، غالیان بودند که خطری بزرگ برای شیعیان به‌شمار رفته و می‌توانستند با عقاید گمراه‌کننده خود، سبب مخدوش گشتن چهره معصومین(ع) و پیروانشان نزد غیرشیعه گردند. امام عسکری(ع)، با جریان غلو به شدت برخورد و شیعیان را از انحرافات آنان آگاه ساختند. امام عسکری(ع) در نامه‌ای از حسن بن محمد بابای قمی و فهری، بی‌زاری جسته و لعن فرمودند و به گمراه شدن ابن بابا _ که خیال می‌کرد توسط حضرت به نبوت برگزیده شده _ توسط شیطان اشاره کردند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۵، ص ۳۱۸). احمد بن محمد عیسی نیز وقتی نظر امام عسکری(ع) را درباره وی جویا شد، امام(ع) در پاسخ، این‌طور نگاشتند: «افکار ایشان جزء دین ما نیست؛ پس از آنان دوری کن» (همان، ج ۲۵، ص ۳۱۵). ابراهیم شبیه نیز می‌گوید: «به امام نوشتم، نزد ما عده‌ای هستند که از شما روایت نقل می‌کنند و ما نمی‌توانیم روایتشان را قبول کنیم؛ چون مخالف دین ما است و توان رد آن را نیز نداریم؛ چون منتسب به شما است. آنان می‌گویند: مراد از نماز در قرآن، رکوع و سجود نیست؛ بلکه نام مردی است که باید پیرو او شد؛ همچنین زکات و دیگر عبادت‌ها و

حرام‌ها را توجیه می‌کنند. یکی از آنان، علی بن حسکه و دیگری قاسم یقطینی است. نظر شما چیست؟ امام(ع) در پاسخ، مرقوم فرمودند: این‌ها از دین ما نیست و از ایشان دوری کنید» (همان، ص ۳۱۶).

برخی شیعیان نیز در تبیین انحراف این گروه منحرف اقدام می‌کردند. محمد بن عیسی اشعری نیز می‌گوید: «خداوند، قاسم یقطینی و علی بن حسکه را لعنت کند که شیطان او را دید و برخی سخنان بیهوده را بر او القاء نمود و او را مغرور کرد» (همان). فضل بن شاذان کتاب مستقلی در رد غالیان، به نام «کتاب الرد علی الغالیة المحمدیة» نوشت (رجال النجاشی، ص ۳۰۷).

چالش مهم دیگری که شیعیان عصر امام عسکری(ع) با آن مواجه بودند، صوفیه بود. اصل تصوف، به لحاظ این‌که در پذیرش ولایت انحصاری امامان، هم عقیده شیعیان نیست، خاستگاه شیعی ندارد و شاید به همین دلیل هم، صوفیه مطرود همه امامان شیعه بوده است (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۶۴-۵۶، ۶۲، ۲۹۶).^۱ در مورد مواجهه امام عسکری(ع) با صوفیه، حضرت در ابتدای نسخه‌ای که به کارگزارانش در عراق نوشته بود، آورده بودند: از صوفی ظاهر ساز، پرهیز کنید (رک: طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲، ص ۸۱۶).

فرقه واقفیه نیز از فرقه‌های فعال در آن عصر بودند. بنابر نقلی، یکی از یاران حضرت از جبال، با نگارش نامه‌ای در مورد دوستی یا تبری جستن از واقفیه سوال کرد و حضرت نیز وی را به تبری جستن از آنان و عیادت نکردن از مریضان آنان و همچنین حاضر نشدن در تشییع جنازه‌شان توصیه فرمودند. حضرت در ادامه، منکر امامت آخرین امام را، منکر امامت اولین امام دانسته و همچنین، اضافه‌کننده به تعداد امامان را مانند کسی دانستند که از تعداد امامان کاسته است (راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۵۲، ۴۵۳؛ حر عاملی، ۱۴۱۴ق، ج ۲۸، ص ۳۵۱، ۳۵۲).

در برخی منابع، از ردیه‌هایی یاد شده که شیعیان علیه برخی فرقه‌ها نگاشته‌اند. «حسن بن موسی الخشاب» از اصحاب حضرت، کتابی در رد این فرقه با عنوان «الرد علی الواقفه»

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۱۴۲

۱. محمد حسین حر عاملی در اثنتی عشریه روایاتی بر مذمت صوفیه آورده است.

نگاشته است (رک: رجال نجاشی، ص ۴۲؛ فهرست شیخ طوسی، ص ۳۹۸). «فضل بن شاذان» نیز که از اصحاب امام هادی (ع) به شمار آمده است (رجال طوسی، ص ۴۲۰)، در دوران امام عسکری (ع) از عالمان معتبر امامی خراسان بوده است. وی با گروه‌های مختلف فکری درگیر بوده و بر آنان ردیه نوشته است (رک: رجال نجاشی، ص ۳۰۷؛ فهرست شیخ طوسی، ص ۱۲۴). «حسین بن اشکیب»، از دیگر اصحاب حضرت نیز کتاب الرد علی الزیدیه را در مواجهه با زیدیه نوشت (رک: ایزدی، ۱۳۹۱).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۱۴۳

در مورد فرق غیرشیعی نیز، اهل حدیث از مهم‌ترین آنان در آن دوران بودند که پس از به حکومت رسیدن متوکل عباسی، مورد حمایت خلفای عباسی قرار گرفته و نقش پررنگی در جامعه داشتند. آنان بر بهره‌گیری از ظواهر قرآن و حدیث در کسب معارف دینی تاکید داشته و همچنین به قدیم‌بودن قرآن و قابل رویت بودن خداوند اعتقاد داشتند. به نظر می‌رسد، موضوع مخلوق بودن یا نبودن قرآن کریم، از مسائل مطرح در دوران امام عسکری (ع) بود و البته طرح آن در دوران حکومت برخی از خلفای سابق عباسی و حامی معتزله، یعنی مامون، معتصم و واثق، شدت داشت که از آن باعنوان «محنه القرآن» یاد می‌شود (رک: تاریخ طبری، ۵۷۵۲/۱۳؛ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۸۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۶، ص ۱۲۳). امام عسکری (ع)، به سوال شیعیان بغداد در این باره، این‌طور پاسخ فرمودند: «بسم الله الرحمن الرحیم. خداوند، ما و شما را از مبتلا شدن به این فتنه حفظ نماید که در این صورت، خداوند بزرگترین نعمت خویش را به ما ارزانی داشته و در غیر این صورت، هلاکت و گمراهی است. به عقیده ما، بحث و جدل در مورد قرآن، بدعتی است که هم سوال‌کننده و هم جواب‌دهنده در آن شریک هستند؛ زیرا که سوال‌کننده، به دنبال چیزی است که برایش سود و حاصلی ندارد و جواب‌دهنده هم برای موضوعی سعی و تلاش می‌کند که در توان او نمی‌باشد؛ پس خالقی غیر از خدا نیست و بقیه، همه مخلوق او هستند و قرآن هم کلام خداست؛ پس از پیش خود برای او اسمی قرار نده که در غیر این صورت، از گمراهان خواهی شد» (صدوق، ۱۳۹۸، ص ۱۰۱). ابوهاشم، از یاران دیگر حضرت نیز می‌گوید: در این فکر بودم که قرآن مخلوق است یا غیرمخلوق که امام عسکری (ع) به من گفتند: «خداوند آفرنده همه چیز است و هر چیزی غیر او، مخلوق است» (همان، ص ۲۲۴). روایت، نخست به خوبی بیان‌گر آن

است که این مساله، سبب ظهور فتنه‌ای در جامعه اسلامی گردیده و امام(ع) نیز شیعیان را از ورود به این موضوع باز می‌داشتند.

در روایات امام(ع)، یکی دیگر از باورهای اهل حدیث، یعنی قابل رویت‌بودن خداوند متعال، نفی گردیده است. حضرت در پاسخ به نامه‌ای در این باره می‌نویسد: «پذیرش این شبهه، به هیچ وجه جایز نیست؛ زیرا لازمه رویت، جسم‌بودن است؛ در صورتی که خداوند متعال منزله از جسم بودن است» (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۴). همچنین حضرت در پاسخ به نامه ابراهیم حمدانی در مورد شبهه جسم‌بودن خداوند نوشتند: «پاک و منزله است خداوندی که هیچ‌گونه حد و مرزی برای او نیست و هرگز این‌گونه توصیف نمی‌شود و هیچ‌مثل و مانندی برای او نیست و او شنوای داناست» (صدوق، ۱۳۹۸، ص ۱۰۰).

ب: چالش‌های سیاسی _ اقتصادی شیعیان

دوران امامت امام عسکری(ع) با ایام حکومت سه خلیفه عباسی، یعنی المعتمد بالله (۲۵۲_۲۵۵)، المهتدی بالله (۲۵۵_۲۵۶) و المعتمد بالله (۲۵۶_۲۷۹) مصادف بود. معتمد، فرزند متوکل عباسی، پس از برکناری مستعین، حکومت را به دست گرفت. با قتل متوکل، ترکان بر امور حکومت تسلط یافته و خلیفه، تابع دستورات آنان بود. معتمد نیز از این مطلب مستثنا نبود. مهتدی، چهاردهمین خلیفه عباسی نیز که پس از قتل برادرش معتمد به حکومت رسید، استقلالی در کارها نداشت و پیوسته بازیچه دست ترکان دربار عباسی بود (رک: پیشوایی، ۱۳۷۲، ص ۶۴۱). وی در دوران حکومتش، امام عسکری(ع) را زندانی کرد و تا شبی که کشته شد، حضرت در زندان بودند و وی تصمیم به قتل امام(ع) داشت (اثبات الوصیه، ص ۲۴۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۰، ص ۳۱۳). معتمد، سومین خلیفه معاصر با امام عسکری(ع) بود که چهار سال از دوران امامت حضرت با دوران حکومت وی مصادف بود. او که به دست ترکان به خلافت رسیده بود، ولی به علت غوطه‌ور بودن در فساد اخلاقی و شهوات (سیوطی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۶۳، ۳۶۷؛ مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۲۳، ۱۳۱) ، برادرش «موفق»، زمام امور را به دست داشت (الفخری، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۳۷۸).

۱. فشار و سختگیری نسبت به امام (ع)

از دیدگاه ائمه (ع)، حکومت عباسی، غیر مشروع و طاغوت به شمار می‌رفت و عباسیان و درباریان از ابتدای به دست گرفتن قدرت، با آگاهی از این دیدگاه، امامان شیعه و پیروانشان را خطری برای جایگاه خود دانسته و در صدد محدود کردن فعالیت‌های آنان بودند و ایشان را با مشکلاتی مواجه ساختند. امام عسکری (ع) در بیان علت محدودیت‌های ایجاد شده از سوی حاکمان می‌فرماید:

«بنی امیه و بنی عباس به دو علت شمشیر بر ما نهادند: یکی آنکه، آنان می‌دانستند که در خلافت هیچ حقی ندارند؛ از این رو از ادعای ما نسبت به آن و از قرار گرفتن حکومت در جایگاهش می‌ترسیدند و دوم اینکه، از خبرهای متواتر آگاه شده بودند که از میان رفتن پادشاهی زورگویان و ظالمان، به دست قیام‌کننده ما خواهد بود و شک نداشتند که خودشان از زورگویان و ظالمان هستند؛ از این رو برای کشتن اهل بیت پیامبر و نابود کردن نسل او تلاش کردند؛ به طمع اینکه از تولدش جلوگیری کنند؛ یا او را بکشند؛ اما خدا نخواست کار او بر هیچ کدامشان آشکار شود تا آنکه نورش تمامیت یابد؛ حتی اگر که کافران نپسندند» (رک: ری شهری، ۱۳۷۵، ص ۴۸۲). قابل توجه آن است که شیعیان امامیه در دوران امام عسکری (ع)، در انتظار آمدن امام مهدی (ع) بودند و خلیفه وقت نیز که از این امر آگاهی داشت، به سختی در جستجوی فرزند حضرت بود (رک: مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۳۶).

خلفای هم عصر حضرت، در راستای سیاست سخت‌گیرانه خود بر شیعیان، چند نوبت امام عسکری (ع) را زندانی کرده (رک: کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵۰۸؛ شبلنجی، ۱۳۰۸، ص ۱۶۶؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۳۲؛ ابن طاووس، ۱۴۱۱ص، ص ۳۴۳، ۳۴۴، اثبات الوصیه، ص ۲۶۸) و به سخت‌گیری بر ایشان در زندان توصیه می‌کردند (رک: مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۳۳۴؛ فتال نیسابوری، ۱۳۷۵، ص ۲۴۸)؛ حتی بر پایه برخی گزارش‌های تاریخی، در صدد قتل حضرت برآمدند (صدوق، ۱۴۳۹ق، ص ۴۰۷؛ خزاز قمی، ۱۴۰۱، ص ۲۹۳). حضرت در فرمایشی به این موضوع اشاره داشته و فرمودند:

«ستمگران تصمیم داشتند مرا بکشند تا این نسل قطع شود. اینک چگونه مشاهده کردند قدرت خدا را» (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق، ص ۲۲۷، تاریخ الائمه، ص ۲۲). یا در توقیعی که از

حضرت صادر شده، چنین فرمودند: «زعموا أنّهم يريدون قتلى ليقطعوا هذا النسل، و قد كذب الله عزّ وجلّ قولهم و الحمد لله» (صدوق، ۱۴۳۹ق، ص ۴۰۷؛ خزاز قمی، ۱۴۱۱ق، ص ۲۹۳).

بر پایه این اخبار، امام (ع) در دوران امامت‌شان به شدت در فشار و اختناق به سر برده و در پی سیاست سخت‌گیرانه عباسیان نسبت به امام (ع) و شیعیان، حضرت در طول سالیان حضورشان در سامراء، تحت نظارت حکومت قرار داشته و به طور مستمر، دو بار در هفته در دارالخلافة حاضر و اعلام حضور می‌کردند (طوسی، ۱۴۱۱ق، ص ۱۲۹). ایشان در قسمتی از سخنان‌شان، خطاب به نام «داود بن اسود»، به وضعیت محل زندگی خود اشاره داشته و فرمودند: «اگر شنیدی کسی به ما ناسزا می‌گوید، راه خود را بگیر و برو و با او مشاجره نکن. ما در شهر و دیار بدی به سر می‌بریم. توفیق کار خودت را بکن و بدان، گزارش کارهایت به ما می‌رسد» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۴۲۷).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۱۴۶

۲. فشار و سختگیری نسبت به شیعیان

محدودیت‌ها و فشارها نسبت به شیعیان، از زمان حکومت متوکل، شدت گرفته بود. زندانی یا شکنجه‌کردن برخی وکلای امام هادی (ع) (طوسی، ۱۴۰۴ق، ص ۶۰۳، ۶۰۷؛ همو، ۱۴۱۱ق، ۷-۲۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۰، ص ۱۸۳)، دستور به حاکم مصر، مبنی بر نفی بلد طالبیون (کندی، ۱۲۵۰، ص ۸-۱۷۷)، مصادره ملک فدک (اربلی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۴) و همچنین هشدار وی به اهل مدینه، مبنی بر عدم ارتباط و حمایت مالی از علویان (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۳۹۶)، از جمله این سختگیری‌ها بود که شیعیان امام با آن روبه‌رو بودند. در دوران امامت امام عسکری (ع)، عباسیان، بسیاری از شیعیان و علویان را که نسبت به آنان احساس خطر می‌کردند، از ابتدایی‌ترین حقوق اجتماعی و اقتصادی محروم کرده و بسیاری را زندانی یا به قتل رساندند. ابوهاشم داود بن قاسم جعفری و گروهی از آل ابی طالب، از جمله این افراد بودند که در زمان حضرت زندانی شدند^۱ (رک: کلینی، ۱۳۶۳،

۱. برای آگاهی از برخی علویان که در دوران امام عسکری (ع) زندانی شده و برخی در زندان جان سپردند (رک: ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۸۵، ص ۴۳۴-۴۴۳).

ج ۱، ص ۵۰۸؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۳۳۲؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۰۴). خلیفه مهدی، بعضی از امامیه را در سال ۲۵۵ دستگیر و آن‌ها را به سوء قصد نسبت به عبد الله بن محمد عباس که توسط قیام‌کنندگان کوفه به قتل رسیده بود، متهم ساخت (طوسی، ۱۴۰۴ق، ص ۱۴۷، ۲۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۰، ص ۳۰۳). برخی خلفا نیز، سیاست دورکردن شیعیان از مراکز مهم عراق به مناطق دور دست را در دستور قرار داده و فشار را بر شیعیان زندانی، افزایش دادند (اثبات الوصیه، ص ۲۶۴، ۲۶۵؛ ابن طاووس، ۱۴۱۴ق، ص ۲۷۵) و حتی در زندان نیز برای شیعیان جاسوس قرار دادند تا برای خلیفه گزارش رسانند (رک: اربلی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۲۲۲؛ طبرسی، ۱۴۱۷ق، ص ۳۷۳؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۴۳۷).

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۱۴۷

والیان عباسی در مناطق مختلف، بر شیعیان سخت می‌گرفتند. موسی بن یحیی، والی قم، به دستور عباسیان به شیعیان ظلم می‌کرد (رک: تفرشی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۳۱). قمی‌ها که تا آن زمان سابقه چنین ظلمی را از سوی حکام نداشتند، شرح وضع خود را برای حضرت نوشته و درخواست دعا کردند. حضرت دعایی برای آنان نوشتند تا با خواندن در قنوت نمازها، از ستم ظالمان رهایی یابند. در قسمتی از این دعا به وضعیت سخت شیعیان اشاره شده است. حضرت در فقراتی از دعا می‌فرمایند: «خدایا، تیرگی بلاها و فتنه‌ها ما را در میان گرفته و پرده حیرت بر ما سایه گسترده و خواری و زبونی، ما را در هم کوبیده است. دشمنان دینت بر ما مسلط شده‌اند و کسانی که ریشه همه کاستی‌هایند و از کسانی‌اند که احکام تو را تعطیل نموده و به نابود کردن بندگان و تباہ ساختن دیار تو همت دارند، زمام امور را از دست ما ربودند. خدایا، اموال و حقوق ما را پس از تقسیم، دست به‌دست گرداندند و پس از آنکه به سروری امت برگزیده شدیم، ما را چونان میراث خود، دست به‌دست گرداندند. با سهم یتیم و بیوه‌زن، وسایل هرزگی و نوازندگی خریدند و غیر مسلمانان (اهل ذمه)، بر کرامت مومنان حاکم شده و تبه‌کار هر قبیله‌ای، زمام امور ایشان را به‌دست گرفته است و هیچ‌پشتیبانی که ایشان را از نابودی برهاند و سرپرستی که به آنان به دیده رحمت بنگرد و هیچ‌واسطه‌ای که جگر تفتیده‌ای را از گرسنگی نجات بخشد، وجود ندارد؛ لذا، آنان پاکبختگانی در آستانه تباہی و اسیرانی مسکنت‌زده و هم‌پیمانان اندوه و خواری هستند...» (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق،

ص ۶۳-۶۷).

خلیفه بر آن بود تا با فشار آوردن بر شیعیان، آنان را از امام (ع) جدا سازد؛ ولی در این امر ناکام ماند. عبیدالله بن خاقان که از افراد سرشناس دستگاه خلافت عباسی بود، پس از شهادت امام عسکری (ع)، به این سیاست حکومت نسبت به شیعیان اشاره داشته و خطاب به جعفر کذاب می‌گوید: «ای احمق، سلطان به روی کسانی که به امامت پدر و برادرت معتقد بودند، شمشیر کشید تا آنان را از عقیده‌شان برگرداند و نتوانست این کار را عملی سازد...» (کلینی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۵۰۵، ۵۰۶).

پژوهش‌نامه
تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۱۴۸

۳. تنگدستی برخی شیعیان

یکی دیگر از مسائلی که بسیاری از شیعیان درگیر آن بوده و در دعایی که حضرت به مردم قم آموزش دادند نیز مورد اشاره قرار گرفته است، تنگناهای اقتصادی بود؛ البته در آن دوران، شمار قابل توجهی از جامعه، به دلیل مال‌اندوزی شخصی (رک: جهشیاری، ۱۴۰۸، ص ۲۵۰؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۲۵۳)، لهو و لعب، بذل اموال (رک: النجوم الزاهره، ج ۲، ص ۶۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۳۱۹؛ سیوطی، ۱۴۱۷، ص ۳۸۴؛ ابوالفرج اصفهانی، ۱۴۰۸، ج ۱۶، ص ۲۲۶) و همچنین وضع قوانین مالیاتی سنگین از طرف حکومت و سخت‌گیری در گرفتن مالیات (رک: جهشیاری، ۱۴۰۸، ص ۱۴۲؛ الفخری، ۱۳۷۶، ص ۱۶۴؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۲۶۸؛ النجوم الزاهره، ج ۲، ص ۵۴)، دچار فقر و تنگدستی بودند؛ ولی به نظر می‌رسد، بسیاری از شیعیان، به دلیل سیاست‌های حکومت، در سختی بیشتری قرار داشتند. برخی شیعیان و علویان به صورت حضوری یا به وسیله نامه از حضرت درخواست کمک مالی داشته و برخی از این امر شکایت می‌کردند؛ برای نمونه، می‌توان به نامه‌های محمد بن حمزه سروری (شبلنجی، ۱۳۰۸، ص ۱۵۲)، محمد بن حسین (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۴۳۵)، علی بن حمید (اثبات الوصیه، ص ۲۵۱)، یا حضور محمد بن علی بن ابراهیم همراه پدرش (شوشتری، ۱۴۰۹، ج ۱۲، ص ۴۷۰؛ طبرسی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۴۳) و ابوهاشم جعفری (راوندی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۴۲۱؛ ابن حمزه طوسی، ۱۳۷۱، ص ۲۱۷) نزد ایشان و اظهار تنگدستی، اشاره کرد.

امام (ع)، علاوه بر حمایت مالی از شیعیان، بر توانمندسازی آنان توجه جدی داشت و از طرفی، آنان را در مواجهه با مشکلات و فشارهای سیاسی و اقتصادی، به نوعی دلگرم می‌کردند تا با بالارفتن روحیه، صبر و تحمل را پیشه کنند و از سوی دیگر به شیعیان و موالیان خود دستور می‌دادند تا کرامت شیعیان را با مهرورزی به آنان، حفظ نمایند.

«محمد بن حسن بن میمون» می‌گوید: نامه‌ای به امام عسکری (ع) نوشتم و از فقر و تنگ‌دستی شکوه کردم؛ ولی بعداً پیش خود گفتم: مگر امام صادق (ع) نفرموده که فقر با ما، بهتر از توان‌گری با دیگران است و کشته‌شدن با ما، بهتر از زنده‌ماندن با دشمنان ماست. امام (ع) در پاسخ نوشتند: هرگاه گناهان دوستان ما زیاد شود، خداوند آنان را به فقر گرفتار می‌کند و گاهی از بسیاری از گناهان آنان در می‌گذرد؛ همچنان که پیش خود گفته‌ای، فقر با ما، بهتر از توان‌گری با دیگران است. ما برای کسانی که به ما پناهنده شوند، پناه‌گاهیم و برای کسانی که از ما هدایت بجویند، نوریم. ما نگه‌دار کسانی هستیم که به ما متوسل می‌شوند. هرکس ما را دوست بدارد، در رتبه بلند با ماست و کسی که پیرو راه ما نباشد، به سوی آتش خواهد رفت» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶ق، ج ۴، ص ۴۳۵؛ اربلی، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۲۱۱). حضرت در نامه‌ای به «علی بن حسین بن بابویه قمی»، یکی از فقهای شیعه، پس از ذکر توصیه‌هایی یادآور می‌شوند: صبر کن و منتظر فرج باش که پیامبر (ص) فرموده است: «برترین اعمال امت من، انتظار فرج است.» شیعیان ما پیوسته در غم و اندوه خواهند بود تا فرزندان ظاهر شود؛ همان کسی که پیامبر (ص) بشارت داده که زمین را از قسط و عدل پرخواهد ساخت؛ همچنان که از ظلم و جور پر شده است. ای بزرگ مرد و مورد اعتماد و فقیه من، صبر کن و شیعیان من را به صبر فرمان بده. زمین از آن خداست و هرکسی از بندگان را که بخواهد، وارث آن قرار می‌دهد. فرجام نیکو، تنها از آن پرهیزگاران است. سلام و رحمت خدا و برکات او بر تو و بر همه شیعیان باد (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ج ۴، ص ۴۲۵؛ الانوار البهیة، ص ۱۶۱؛ تتمه المنتهی، ص ۲۹۹ با اندکی اختلاف در الفاظ).

۴. برپایی قیام علیه حکومت

در دوران امامت امام عسکری (ع)، قیام‌هایی بر ضد حکومت انجام گرفت که البته همگی

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

سرکوب شدند. برخی از آن‌ها، از سوی شیعیان (رک: مسعودی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۹۴) و برخی با سوء استفاده از نام علویان بود (تاریخ ابن خلدون، ج ۲، ص ۴۸۴؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱۸، ص ۲۰۰-۲۴۹)؛ ولی همه این قیام‌ها می‌توانست، به نحوی سبب ایجاد چالش‌های جدی برای امام(ع) و شیعیان امامی گردد و آنان را در وضعیت سخت سیاسی قرار دهد.

علی بن زید و عیسی بن جعفر که هردو علوی و از تبار امام حسن(ع) بودند، در سال ۲۵۵ و علی بن زید بن حسین از نوادگان امام حسین(ع) در زمان حکومت مهتدی و در ۲۵۷، در کوفه قیام کردند (رک: مروج الذهب، ج ۴، ص ۹۴؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۷، ص ۲۳۹-۲۴۰). احمد بن محمد بن عبد الله در دوران حکومت معتمد (مروج الذهب، ج ۴، ص ۱۰۸) و زنگیان نیز به رهبری علی بن محمد، معروف به صاحب زنج، در سال ۲۵۵ قیام کردند. قیام صاحب زنج، پانزده سال طول کشید (ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۲، ص ۲۳۵) و بر بخش‌های وسیعی مسلط شدند (الانباء فی تاریخ الخلفاء، ج ۱، ص ۱۳۸). خلیفه عباسی، برادرش موفق را به همراه مفلح در سال ۲۵۸ به جنگ با آنان فرستاد و حتی آنان را تا برکواری بدرقه کرد (تاریخ طبری، ج ۹، ص ۴۹۰). در این مراسم، امام(ع) نیز به همراه جمعی از شیعیان به درخواست خلیفه حضور داشتند تا انتساب زنگیان به ایشان رد شود (اثبات الوصیه، ص ۲۵۴؛ راوندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۴). به نظر درباره امام(ع) با قیام صاحب زنج همراه بود (تاریخ قم، ص ۲۲۹)؛ ولی امام(ع) این موضوع را رد فرمودند. بنابر روایتی، محمد بن صالح خثعمی، سوالی را در قالب نامه نزد حضرت طرح کرد و می‌خواست از صاحب زنج نیز سوال کند؛ ولی فراموش کرد. حضرت در پاسخ نامه وی به این موضوع نیز اشاره فرموده و مرقوم کردند: «صاحب زنج از ما اهل بیت(ع) نیست» (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۴۲۴).

نتیجه‌گیری

در دوران امامت امام عسکری(ع)، شیعیان با چالش متعددی مواجه بودند. این چالش‌ها را می‌توان در ابعاد مذهبی و سیاسی - اقتصادی تبیین کرد. هریک از این ابعاد، از جنبه‌های مختلفی قابل مطالعه و بررسی است. پس از تحقیق و پژوهش مشخص گردید، چالش‌های

مذهبی را می‌توان در ذیل موضوعاتی، همچون محدودیت‌های ارتباط با امام(ع)، انحراف برخی وکلا، فعالیت فرق و مذاهب گوناگون، نزدیک‌شدن به دوران غیبت امام مهدی(ع) و انحراف برخی علما پیگیری نمود؛ همچنین چالش‌های سیاسی و اقتصادی در ذیل موضوعاتی، از قبیل سختگیری‌های حکومت نسبت به امام(ع) و شیعیانشان و همچنین برپایی برخی قیام‌ها ضد حکومت، قابل تبیین است. امام حسن عسکری(ع) در مواجهه با فشارها و محدودیت‌هایی که نسبت به شیعیان وجود داشت، اقداماتی را اجرایی فرمودند و وظایف شیعیان را در برابر چالش‌ها، مشخص کردند. این اقدامات با توجه به گستردگی شیعیان در آن دوران، از اهمیت قابل توجهی در جهت حفظ و انسجام شیعیان برخوردار است.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

منابع

- ارفع، کاظم، سیره عملی اهل بیت (ع): امام حسن عسکری (ع)، تهران، فیض کاشانی، ۱۳۷۹.
- اشعری، سعد بن عبدالله، المقالات و الفرق، تصحیح محمدجواد مشکور، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۰.
- ابن طاووس، رضی الدین، الطرائف، قم، خیام، ۱۳۹۹.
- ابن طاووس، رضی الدین، مهج الدعوات، قم، دارالذخائر، ۱۴۱۱ق.
- ابن طاووس، اقبال الاعمال، تحقیق جواد قیومی اصفهانی، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
- اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه، تبریز، مکتبه بنی هاشمی، ۱۳۸۱.
- ابن شعبه حرانی، تحف العقول، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، قم، موسسه النشر الاسلامی لجماعه المدرسین، ۱۴۰۴ق.
- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، تحقیق لجنة من اساتذة النجف الاشرف، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶.
- ابوالفرج اصفهانی، مقاتل الطالبین، نجف، المکتبه الحیدریه، افست قم، مؤسسه دارالکتاب، ۱۳۸۵.
- ابوالفرج اصفهانی، الاغانی، تحقیق عبدأ. علی مهنا و سمیر جابر، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
- ابن جوزی، المنتظم، تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۲ق.
- ابن تغری بردی، یوسف، نجوم الظاهره، قاهره، وزاره الثقافه و الارشاد القومی الموسسه المصریه العامه.
- ابن اثیر، عزالدین علی، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق.
- ابن تغری بردی الاتابکی (م. ۸۷۴ق.)، النجوم الظاهره، مصر، وزاره الثقافه و الارشاد القومی.
- ابن طقطقی، محمد بن علی، الفخری فی الآداب السلطانیه، عبدالقادر محمد مایو، حلب، دارالقلم العربی.
- ابن حمزه طوسی، محمد بن علی، الثاقب فی المناقب، تحقیق نبیل رضا علوان، قم، انصاریان، ۱۳۷۱ق.
- ابن العمرانی (۵۸۰ ش)، الانباء فی تاریخ الخلفاء، به کوشش السامرائی، القاهره، الآفاق العربیه، ۱۴۱۹ق.
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، الفهرست، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۷ق.
- ایزدی، مهدی، شاگردان امام عسکری (ع) و نقش ایشان در حفظ و نشر معارف اهل بیت (ع)، مجموعه

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

- مقالات کنگره ملی امام حسن عسکری(ع)، اداره کل اوقاف استان تهران با همکاری دفتر اعزام مبلغ دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۱.
- بحرانی، هاشم، مدینه المعاجز، تحقیق عزت الله مولانی همدانی، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ق.
- بهنیافر، احمدرضا، مواضع و اقدامات سیاسی امام حسن عسکری(ع) در برابر خلافت عباسی، فصلنامه تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، شماره ۷، ۱۳۹۱.
- پاکتچی، احمد، دائره المعارف بزرگ اسلامی، مدخل «امام حسن عسکری(ع)»، تهران، ۱۳۸۷.
- پیشوایی، مهدی، سیره پیشوایان: نگرشی بر زندگانی اجتماعی، سیاسی و فرهنگی امامان معصوم(ع)، قم، موسسه امام صادق(ع)، ۱۳۷۲.
- پیروزی، عنایت، انحرافات فکری غیرشیعی عصر امام عسکری(ع) و نحوه مواجهه امام(ع) با آن‌ها، فصلنامه فرهنگ پژوهش، شماره ۳۹، ۱۳۹۸.
- تبریزی، عبدالکریم، سیری در سیره فردی و اجتماعی امام حسن عسکری(ع)، مجله مبلغان، شماره ۲۹، ۱۳۸۱.
- تفرشی، مصطفی، نقد الرجال، تحقیق مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۱۸ق.
- تستری، محمد تقی، قاموس الرجال، قم، مؤسسه جماعة المدرسین، ۱۴۱۵ق.
- جعفریان، رسول، حیات فکری سیاسی امامان شیعه(ع)، قم، موسسه انصاریان، ۱۳۸۱.
- جهشیاری، محمد بن عبدوس، الوزراء و الكتاب، بیروت، دارالفکر الحدیث، ۱۴۰۸ق.
- جبّاری، محمدرضا، سازمان وکالت و نقش آن در عصر ائمه(ع)، قم، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۲.
- جانی پور، محمد، طباطبایی، سید جواد، تحلیل محتوای مکاتبات امام حسن عسکری(ع)، مجموعه مقالات کنگره ملی امام حسن عسکری(ع)، کل اوقاف استان تهران با همکاری دفتر اعزام مبلغ دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۱.
- حیدری، محمدحسن، شکوه سامراء: مجموعه مقالات درباره امام هادی و امام عسکری(ع)، دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۰.
- حر عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداه بالنصوص والمعجزات، تصحیح علاءالدین اعلمی و مقدمه شهاب الدین مرعشی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۵ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تحقیق محمد رضا حسینی جلالی، قم، موسسه آل البيت(ع) لاحیاء التراث، ۱۴۱۴ق.
- حسینی، سید جواد، امام حسن عسکری(ع) و استفاده وسیع از علم غیب الهی، مجله مبلغان، شماره

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۹۰، ۱۳۸۶.

- حسین، جاسم، تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم (ع)، ترجمه محمدتقی آیت‌اللهی، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۵.
- خزاز قمی، کفایة الاثر، تحقیق عبد اللطیف الکوهکمری، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱.
- خصیبی، حسین بن حمدان، الهدایة الکبری، بیروت، مؤسسة البلاغ، ۱۴۱۱ق.
- خوئی، سید ابوالقاسم، معجم رجال الحدیث، تحقیق لجنه التحقیق، ۱۴۱۳ق.
- خوانساری، محمد باقر بن زین العابدین، روضات الجنات، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، قم، دهاقانی (اسماعیلیان)، ۱۳۹۰.
- دشتی، محمد، سازمان وکالت در عصر عسکریین (ع)، شکوه سامراء «مجموعه مقالات درباره امام هادی و امام عسکری (ع)»، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.
- راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، تحقیق مؤسسه الامام المهدي (ع) با اشراف سید محمدباقر موحد ابطحی، قم، مؤسسه الامام المهدي (ع)، ۱۴۰۹ق.
- ربیع نتاج، سیدعلی اکبر، روح‌الله‌زاده اندواری، عالیه، سیره عملی امام حسن عسکری (ع) در برخورد با فرقه‌های انحرافی، مجموعه مقالات کنگره ملی امام حسن عسکری (ع)، اداره کل اوقاف استان تهران با همکاری دفتر اعزام مبلغ دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.
- رحمانی، حسین، نقش امام هادی و امام عسکری (ع) در بالندگی علوم اسلامی، شکوه سامراء «مجموعه مقالات درباره امام هادی و امام عسکری (ع)»، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۰.
- رزاقی موسوی، سیدقاسم، همایون فر، لیلا، جریان‌های فکری شیعه در عصر امام حسن عسکری (ع) و تعامل آن حضرت با آن‌ها، فصلنامه تاریخ اسلام، شماره ۹۰، تابستان ۱۴۰۱.
- ری شهری، محمد، اهل‌البيت فی‌الکتاب و السنه، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۵ق.
- سیوطی، تاریخ الخلفاء، تحقیق ابراهیم صالح، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۷ق.
- شبلنجی، مؤمن، نورالابصار فی مناقب آل بیت‌النبی المختار، قم، الشریف الرضی، ۱۳۰۸.
- شوشتری، نورالله، احقاق الحق، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۹ق.
- صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، العتبه الحسينیه المقدسه، ۱۴۳۹ق.
- صدوق، من لا یحضره الفقیه، تحقیق علی اکبر غفاری، قم، جماعة المدرسین، ۱۴۰۴ق.
- صدوق، التوحید، چاپ اول، قم، نشر اسلامی، ۱۳۹۸.
- طبسی، محمدجواد، باخورشید سامراء، ترجمه عباس جلالی، قم، مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
- طبرسی، فضل بن علی، إعلام الوری، تحقیق مؤسسة آل‌البيت، قم، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ اول، تهران، نشر مرتضوی،

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۱۵۴

۱۴۰۳.

- طبری (شیعی)، محمد بن جریر، دلائل الامامه، قم، مؤسسة البعثة، ۱۴۱۳ق.
- طبری، محمد بن جریر (م ۳۱۰)، تاریخ الأمم و الملوك، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت، روائع التراث.
- طوسی، الغیبه، تحقیق شیخ عبدالله طهرانی و شیخ علی احمد ناصح، قم، موسسه المعارف السلامیه، ۱۴۱۱ق.
- طوسی، اختیار معرفه الرجال، تصحیح و تعلیق میرداماد الاسترآبادی و تحقیق سید مهدی رجائی، قم، موسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، ۱۴۰۴ق.
- طوسی، تهذیب الاحکام، تحقیق سید حسن خراسان، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- طوسی، رجال، تحقیق جواد القیومی الاصفهانی، قم، جماعة المدرسین. بی تا.
- طباطبایی، سید محمدکاظم، تاریخ حدیث شیعه (۱) عصر حضور، تهران، انتشارات سمت.
- عاملی النباطی، علی بن یونس، الصراط المستقیم، تحقیق محمد الباقر البهبودی، قم، المكتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۸۴.
- غنوی، امیر، طرح اندیشه مهدویت در کلمات امام عسکری (ع)، فصلنامه مشرق موعود، شماره ۴۰، ۱۳۹۵.
- فتاح زاده، رحمان، قیام زنگیان، سایت پژوهه، پژوهشکده باقرالعلوم (ع).
- فتال نيسابوری، محمد، روضة الواعظین، تحقیق سید محمد مهدی سید حسن الخراسان، قم، الشریف الرضی، ۱۳۷۵.
- الفخری، ابراهیم حسن، تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان، ۱۳۷۶.
- فضه خاتون، تبیین موقعیت امام حسن عسکری (ع) در رهبری شیعه، دوفصلنامه تاریخنامه اسلام، شماره ۲، ۱۳۹۸.
- فلاح زاده، احمد، رفتارشناسی سیاسی - مذهبی طالبیان در عصر امام حسن عسکری (ع)، دوفصلنامه سیره پژوهی اهل بیت (ع)، شماره ۱۳، ۱۴۰۰.
- قرشی، باقر شریف، زندگانی امام حسن عسکری (ع)، ترجمه حسن اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۳.
- شیخ عباس القمی (م. ۱۳۵۹ق.)، الانوار البهیة، قم، النشر الاسلامی، ۱۴۱۷ق.
- قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الآثار، ۸ ج، قم، دارالاسوه للطباعة و النشر، ۱۴۱۴ق.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، تحقیق علی بن جمال اشرف حسینی، قم، منظمه الاوقاف و الشؤون الخیریه دارالاسوه للطباعة و النشر، ۱۴۱۶ق.

پژوهشنامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۱۵۵

- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
- کندی، محمد بن یوسف، ولاء مصر، تحقیق روفون گست، قاهره، دارالکتب الاسلامی، ۱۲۵۰ق.
- مدرسی، محمدتقی، زندگانی حضرت امام حسن عسکری (ع)، ترجمه محمدصادق شریعت، تهران، محبان الحسین (ع)، ۱۳۷۹.
- محمدی، مرضیه، حسن بن علی امام عسکری (ع)، قم، دلیل ما، ۱۳۹۳.
- مسعودی، علی بن الحسین (م ۳۴۶)، مروج الذهب، قم، مؤسسه دارالهجره، ۱۴۰۹ق.
- _____، اثبات الوصیه، قم: مؤسسه انصاریان، ۱۹۹۶م.
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳ق.
- میرلوحی، سید مصطفی، مجموعه مقالات پذیرفته شده در کنگره ملی امام حسن عسکری (ع)، کاری از اداره کل اوقاف و امور خیریه استان تهران با همکاری دفتر اعزام مبلغ دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.
- مظفر، محمد حسین، تاریخ الشیعه، بیروت، ۱۴۰۸ق.
- مفید، الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.
- _____، تحقیق مؤسسه آل البيت للتحقیق التراث، بیروت، دار المفید للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
- وفا، جعفر، سیره سیاسی امام حسن عسکری (ع)، فصلنامه پیام، شماره ۹۳.
- یعقوبی، احمد بن واضح (م ۲۸۴)، تاریخ الیعقوبی، بیروت، دار صادر.

پژوهش‌نامه تاریخ تشیع

دوره جدید، سال اول،
شماره ۱، بهار ۱۴۰۴

۱۵۶